

یادکردی از بسم الله خان، شهناي نواز بی همتای هند

شاهد خان*

ترجمه: فخرالدین غفاری ✧

این الگوی تمام نمای دوستی و مسالمت، روز دوشنبه ۲۱ آگوست ۲۰۰۶ در بیمارستان قدیمی شهر «وارانسی» آخرین نفس‌های خود را کشید، اما متأسفانه نه در شهناي. بسم الله خان نوای جاودانه و پُرسوز و گداز شهناي (Shehnai) را به عنوان میراثی گرانبها پس از خود به یادگار گذاشت، به گونه‌ای که برای همیشه در تاریخ موسیقی هند به نام او ثبت و ماندگار خواهد شد.

استاد از آنجا که مدتی مریض بود، از طرف مراکز و مقامات دولتی هند از وی تقاضا شد تا برای درمان او در بیمارستان‌های پیشرفته شهرهای دیگر و یا خارج از هند اقدام شود. اما او همه را رد کرد، چرا که نمی‌توانست بنارس عزیزش را ترک کند. به گفته اطرافیان وی مردی شگفت‌انگیز بود و می‌دانست چگونه بین اشخاص و جوامع و فرقه‌ها فرقی قایل نباشد.

رَنجَنُ سِرِنُواسْتَوَا (Ranjana Srivastava) مدیر دانشکده هنرهای نمایشی بنارس می‌گوید:

”بدون گفتگو، او جواهری بود بر تاج موسیقی هند. کسی که در چندین قرن آینده نظیرش پا به جهان نخواهد گذاشت. او معنای جدیدی به ساز شهناي

* برگرفته از مجله آواز ایندیا (Awaz India)، دهلی‌نو، شماره ۸، سال ۲۰۰۶ م.
✧ دانشجوی رشته موسیقی دانشگاه دهلی، دهلی.

بخشید. او عاشق کشورش بود. برخلاف همترانش، او هیچ گاه برای کسب ثروت و شهرت به خارج سفر نکرد. او حتی بنارس عزیزش را ترک نگفت؛ بنارس، جایی که نوای شهنایش در فضای امام‌باره‌ها و زیارتگاه‌ها و حتی در معابد کاشی و شوانات (Kashi Vishwanathan) و سَنَکَتْ مَوْچَن (Sankat Mochan) موج می‌زند و با آب آرام رود گنگ آمیخته می‌شود.

چترَنجَن جیوتیشی (Chitranjan Jyotishi) پروفیسور سابق بخش موسیقی آوازی (Vocal Music) دانشگاه هندوی بنارس می‌گوید:

”با مرگ او یک دوره کامل به پایان رسید. شاید خداوند خواسته که نوای شهنای به جای طنین انداز شدن بر دروازه هند بر دروازه بهشت طنین انداز شود.“

شهنای برای استاد شیوه و راه زندگی بود. اگر عشق الهی وی به موسیقی نبود ممکن بود شهنای هنوز هم در مراسم ازدواج و مراسم مذهبی نواخته شود. پندیت وِدیادَر وِیاس (P.T. Vidyadhar Vyas) معاون سردبیر مؤسسه موسیقی بَهَنکهنده - لکهنو (Bhatkhande Lucknow) می‌گوید:

”بسم الله خان با مهارت تمام شهنای را در دست می‌گرفت و به سوی اوج و افتخار می‌نواخت. او برای سال‌های زیادی بی‌مانند و بی‌رقیب خواهد ماند. استاد به مردم‌داری معنا بخشید. او مسلمانی مقید بود که روزانه پنج بار نماز برپا می‌داشت. با این حال، علاقه زیادی به بابا و شوانات و سَنَکَتْ مَوْچَن و گنگ داشت.“

بارها از وی خواسته شد تا به شکار در چراگاه‌های سرسبزتر بپردازد (یعنی در جاهای بهتر زندگی کند)؛ اما او در پاسخ می‌گفت: کجا می‌توانم بابا و شوانات و گنگ را پیدا کنم.

به او پیشنهاد زندگی در کشورهای دیگر شده بود و گفته بودند که آنچه را که بخواهد و دوست بدارد برای او فراهم می‌کنند؛ اما او گفته بود: آخر شما چگونه می‌توانید در آنجا گنگ را برای من فراهم کنید.

وی در ۲۱ مارس ۱۹۱۶ در خانواده‌ای فقیر در بیهار (Bihar) به دنیا آمد. او کاملاً از پیشینه و گذشته خود با خبر بود و این در رفتار و سلوک وی و همچنین در برخوردش با دیگران منعکس می‌شد.

استاد یک‌بار ماجرای رد کردن تقاضای کمپانی تولیدکننده کولر را که از وی خواسته بودند که در اتاق وی کولر گازی نصب کنند برای یک خبرنگار تعریف کرد. وی در جواب آنها گفته بود:

”چگونه می‌توانم در خنکای راحت کولر بخوابم در حالی که همسایه‌ام رمضان علی برای این‌که گرمای شدید تابستان را از خود دور کند سطل آب را روی تَهْتَرَش^۱ می‌ریزد“.

استاد بسم الله خان بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۱ آگوست ۲۰۰۶ در ۹۰ سالگی به جوار حق شتافت و در درگاه فاطمان (Dargah Fatiman) در بنارس برای همیشه آرام گرفت.

۱. تَهْتَرَّ (Thattar) مراد کلبه است.